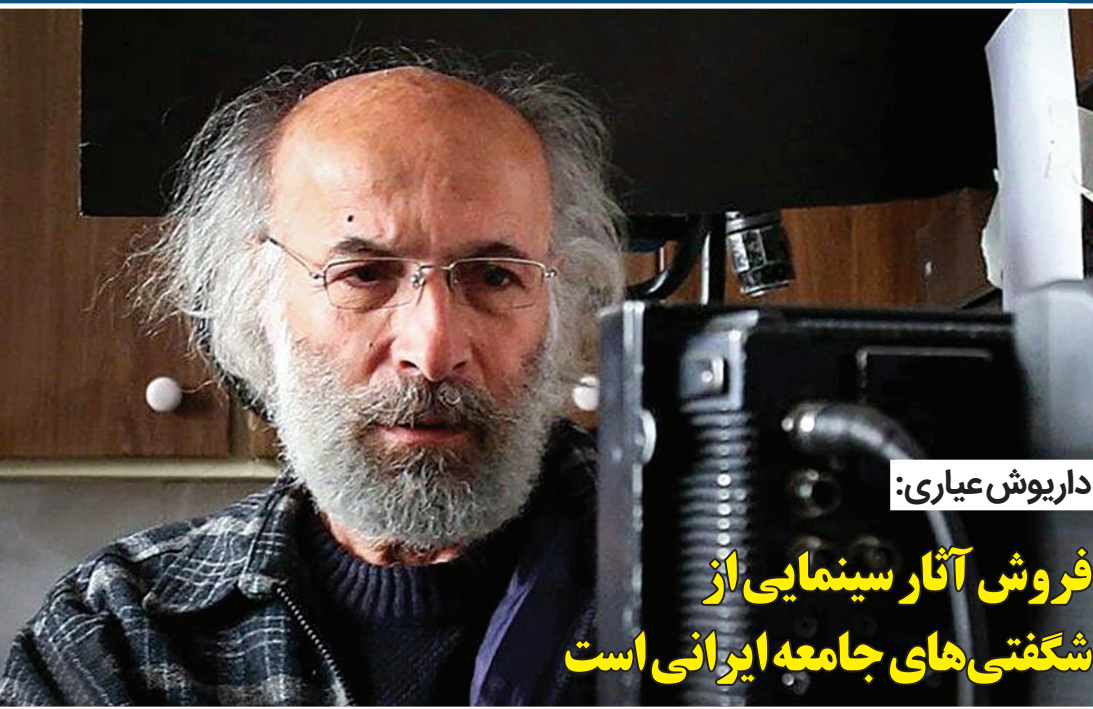


داریوش عیاری:

فروش آثار سینمایی از شگفتی های جامعه ایرانی است



گفت: نظرات کیومرث همیشه برایم محترم بود. چند روز پیش از فوتش با او تماس گرفتم و گفتم دوست دارم فیلم «کاناپه» را ببینی. کیومرث در جواب گفت: یکی از آرزوهایم دیدن این فیلم است. او رشت بود و برنامه این بود که تا ۳ روز دیگر به تهران بازگردد اما ۳ روز بعد خبر فوتش را شنیدم. اواخر آذر ماه یک هفته کنار ما بود. او در فیلم «ویلاي ساحلي» نقش کارگردانی را به نام کیومرث پوراحمد بازی می کرد. اکثر شبها را پیش هم بودیم. یک شب گفت: ممکن است طرحی برای فیلم بعدی ام داشته باشی، خیلی خوشحال شدم و در جواب گفتم: من ۲ طرح دارم، آن ها را بخوان، هر کدام را که دوست داشتی به شیوه فیلمسازی تو می نویسم. حقیقتا سال ها در ذهنم بود و دوست داشتم که با کیومرث کار کنم اما متاسفانه نشد.

عیاری درباره جدیدترین ساخته سینمایی خود گفت: فیلمبرداری «ویلاي ساحلي» پنجم دی ماه تمام شد. من می توانستم فردای آن روز مونتاژ فیلم را آغاز کنم اما مسائل مربوط به سینک زدن پلان ها ۱۵ روز قبل از عید آغاز شد و این موضوع کار را عقب انداخت. این یکی از اتفاقات بسیار نادر فیلمسازی من است که تدوین فیلمی را ۳ ماه پس از ساخت آن آغاز می کنم. قرار بود دوم اردیبهشت ماه همزمان با عید فطر این فیلم اکران شود اما متاسفانه تدوین را تازه آغاز کرده ایم و به احتمال زیاد «ویلاي ساحلي» تابستان روی پرده های سینما خواهد رفت.

این کارگردان درباره بازگشایی مجدد پرونده قاچاق فیلم های جدید ایرانی گفت: این مسائل از بی کفایتی مسئولین است. چطور ممکن است فیلم ها لو بروند. من هم زخم خورده این اتفاق هستم، وقتی که فیلم «خانه پدری» برای دومین بار در سال ۹۸ توقیف شد، فردای همان روز شبکه های خارج از کشور فیلم را پخش کردند. فیلمی که سرمایه من بود و روی فروش آن حساب کرده بودم به راحتی نابود شد. او درباره فعالیت های آتی خود اظهار داشت: قصد ساخت یک فیلم سینمایی و یک مینی سریال ۱۵ قسمتی به نام «گروگان» را دارم. / سینما سینما - تبسم کشاورز

ادامه داشت تا به «خانه پدری» رسید و بعد هم فیلم «کاناپه» که همچنان ۷ سال است در محاق توقیف به سر می برد. او در ادامه اظهار داشت: سال ۷۶ که فیلم «بودن یا نبودن» را ساختم دختر آقای رفسنجانی گفتند که پدرشان فیلم را دیدند و نظرشان این بوده که این اثر مسلمانان را وحشی و مسیحی ها (ارامنه) را متهمد نشان می دهد. در حقیقت ذهنیت ایشان موجب شد که این فیلم فقط یک هفته در سینما آزادی نمایش داده شود. به یاد دارم سمنان مشغول ساخت «روز باشکوه» بودم که مدیر سینما آزادی با من تماس گرفت و گفت امروز آخرین روز نمایش فیلم شماست. نگاه اشتباهی به فیلم من داشتند، آن زمان هر چه توضیح دادم فایده ای نداشت. در انتهای فیلم نشان می دهم که همان مسلمان که مرحوم «نورعلی لطفی» ایفاگر نقشش بود قلب پسر از دست رفته خودش را به آن دختر ارمی می دهد. هرگز نفهمیدم کجای آن فیلم وحشی گری مسلمانان را نشان می داد. عیاری در ابتدا درباره فروش فیلم های ایرانی روی پرده گفت: این که هنوز عده ای به سینما می روند و برخی آثار فروش خوبی دارند یکی دیگر از شگفتی های جامعه ایرانی است. روزهاست که شاهد حمله شیمیایی به مدارس و هدف قرار دادن دانش آموزان هستیم. اگر بدون توجه به آمار فروش فیلم ها به مسائل نگاه کنیم باید بگوییم مردمی که این اندازه دل مرده و پریشان حال هستند نباید به سینما بروند. طبیعی است که سینما در این شرایط باید از رونق افتاده باشد!

خالق «آن سوی آتش» درباره نگاه ویژه خود برای بهبود اوضاع سینما گفت: این روزها مردم با مشکلات اقتصادی حساس و آزاردهنده ای مواجه هستند. کشور مادر شرایط باورنکردنی به سر می برد. وضعیتی را که شاهدش هستیم در تاریخ بشر منحصر به فرد است. با این اوصاف مردم به چه دلیلی باید هزینه کنند و به سینما بروند؟ باور من این است که فرقی بین آثار کمدی و غیر آن وجود ندارد، در کل این سینما اگر فروش داشته باشد غیرطبیعی است. عیاری همچنین درباره ارتباطش با زنده یاد کیومرث پوراحمد

توقیف آبادانی ها، روز باشکوه، بیدارشو آرزو، کاناپه، خانه ی پدری و... سال هاست که کلمه توقیف به نام «کیانوش عیاری» گره خورده است. کارگردانی که متر و معیار فیلمسازی را با آثارش جا به جا کرده، همیشه در وضعیتی بین بودن و نبودن و ساختن و نساختن قرار گرفته است. تعدادی از آثار عیاری امروز و نزدیک به ۷۲ سالگی اش همچنان در محاق توقیف به سر می برند...

داریوش عیاری با اشاره به ممیزی در آثارش اظهار داشت: توقیف فقط شامل فیلم «خانه پدری» و «کاناپه» نمی شود. این گرفتاری با ساخت اولین فیلمم «تنوره دیو» آغاز شد. سخت است که بخواهم به تاریخ ۴۰ سال پیش بیردام و مصائبی که برای این فیلم پیش آمد را بازگو کنم؛ اما اطمینان داشته باشید که این آزارها از ابتدا همراه من بود. فیلم «آن سوی آتش» هم تا ۲ سال در تلویزیون توقیف بود تا بالاخره با کمک محمد بهشتی مدیرعامل وقت بنیاد فارابی توانستیم آن را از توقیف ۲ ساله خارج کنیم. پس از آن آتش توقیف به فیلم سینمایی «آبادانی ها» رسید، در شرایطی که حق هیچگونه تبلیغی را به طور مطلق نداشتیم این فیلم هم فقط ۴ روز روی پرده سینماها اکران شد. برای اکران فیلم «روز باشکوه» در شهر مشهد هم همین اتفاق پیش آمد. جماعتی ۲-۳ هزار نفری به سمت سینما می رفتند که استاندار مشهد با مقامات بالای تهران تماس گرفتند و گفتند مخاطبان زیادی برای دیدن این فیلم به سینما می روند، باید چه کنیم؟ جواب آمد که صد در صد فیلم را پایین بکشید؛ چرا که می ترسیدند اتفاقات مهیبی که ۲ ماه قبلش در خراسان پیش آمده بود با اکران این فیلم ناقابل مجدد تکرار شود. همین موضوع موجب شد این فیلم در اوج فروش فوق العاده اش پایین کشیده شود. به یاد دارم خانم فائزه هاشمی رفسنجانی با استاندار صحبت کردند و گفتند من این فیلم را دیده ام، مشکلی نداشته است اما استاندار در پاسخ گفتند ما تابع نظرات شما نیستیم و از بالا دستور می گیریم. توقیف «بیدار شو آرزو» از خود زلزله بم مخوف تر و دردآورتر بود. این اثر هم اجازه نمایش نگرفت و فقط در گروه سینماهای هنر و تجربه به روی پرده رفت. این موضوع



سری دوم ۲
رئالیتی شو

چهار شگفت انگیز

زمانی برای خندیدن ت



پخش از شبکه نسیم